

اقدامات ارباب آمیز معادل یا نزدیک به الزام در سیستم قضایی انگلیس - بررسی جرم صدمه به اقتدار قضایی

سید محمد مهدی غمامی - دانشجوی حقوقی دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

فایده‌ی تمام حقوق عینی، فرض یک مجازات (مدنی یا کیفری) احتمالی است؛ قضاوتی که در صورت وجود شرایط، خواننده را محکوم به پرداخت، انجام یا ترک فعل و احترام به تصمیم قضایی می‌کند.

به جز شیوه‌های کلاسیک - که اجرایی کردن یک تصمیم قضایی را به طور معمول شکل می‌دهد - در سیستم حقوق کامن لا خصوصاً حقوق انگلیس، تنها یک شکل اقدامات عابی را برای اجرایی کردن حکم قضایی پیش بینی می‌شود و آن اتهام و کیفر «مقاومت در مقابل اجرای تصمیم دادگاه است. مقاومت برابر اجرای رأی قضایی، تشکیل دهنده‌ی جرمی معادل جنحه‌ی صدمه به اقتدار قضایی (توهین به دادگاه) ^(۱) است.

صدمه به اقتدار قضایی در حقوق کامن لا، شامل جنحه‌های متعددی مربوط به امور قضایی می‌شود؛ از جمله توهین به دادگاه مدنی ^(۲) و توهین به دادگاه کیفری ^(۳).

صدمه به اقتدار قضایی در دادگاه مدنی، با تخطی از آرای صادره از این دادگاه، شکل می‌گیرد. وجه غالب صدمه‌های وارد به اقتدار قضایی، دارای ماهیت مدنی هستند ^(۴).

هم چنین بی‌اعتباری اقتدار قضایی در دادگاه کیفری، اهانت به دادگاه کیفری است؛ به عبارت دیگر هر گاه محکوم علیه، به نوعی از قبول آرای قطعی دادگاه شانه خالی کند مرتکب جرم توهین به دادگاه شده است.

کلیه‌ی نظام‌های قضایی هنگامی که حکمی را صادر می‌کنند و این حکم قطعی می‌شود، در پی اجرای آن حکم و گذاردن نتایج فردی و اجتماعی لازم؛ نتیجه این که هر قاضی، از اعمالی که هدفشان ورود صدمه به اقتدار اوست، شدیداً احساس انزجار می‌کند و بر پایه‌ی اقدامات ارباب آمیز، در صدد بر می‌آید که نه تنها حکم را اجرا کند بلکه مجرم را هم به سختی تنبیه کند.

در حقوق انگلیس، جنحه‌ی توهین به دادگاه، هنگامی ارتکاب می‌یابد که خواننده از تعهد رفتاری‌ای که به دادگاه داده است، تمرد کند. این جرم در حقوق تعهدات و خانواده بسیار شایع است.

این مطالعه، شامل بررسی جنحه‌ی توهین به دادگاه، با تأکید بر ماهیت مدنی و اقدامات تأمینی و مجازات‌های مربوط به آن می‌شود.

اصول

جرم صدمه به اقتدار قضایی با جمع عناصر اصلیش شکل می‌گیرد ما نیز در ابتدا عناصر تشکیل دهنده آن را بررسی می‌کنیم و در ادامه این نکته را مورد مطالعه قرار می‌دهیم که اگر شخص حقیقی یا حقوقی مسئول را می‌توان مجازات کرد، چه مجازاتی را باید در نظر گرفت.

بخش اول

به عنوان جنحه‌ی محض حقوق جزا، صدمه به اقتدار قضایی با ماهیت مدنی باید شامل هر سه عنصر قانونی، مادی و روانی باشد.

الف) عنصر قانونی

باید بر اساس قانون، این جرم تعریف شده باشد؛ به عبارت دیگر وصف مجرمانه ی این جرم باید در قانون موجود باشد.

ب) عنصر مادی

باید عدم التزام به تعهد احراز شود به بیان دیگر باید اثبات شود که محکوم از اطاعت رأی قضایی سرباز زده است، این عدم تبعیت باید ملموس و کاملاً واضح و صریح باشد.

مشکلات تکنیکی در اجرای حکم، چندان سازنده ی جرم محسوب نمی شود، خصوصاً اگر این مشکلات به حد وضعیت قوه ی قاهره (فرس ماژور) برسد که در این صورت شکی نیست که مسئولیتی وجود نخواهد داشت. حقوق کامن لا به اثبات صریح وضعیت ها تمایل دارد؛ در نتیجه تردیدها منجر به حکم نمی شوند^(۵).

ج) عنصر روانی (قصد)

ضرورت وجود عنصر روانی، قابل انکار نیست ولی این که احراز سؤ نیت (قصد خاص) ضروری است یا خیر و این که آیا این سؤ نیت می تواند ضمنی باشد یا خیر، جای بحث دارد؛ منظور این است که عمل صورت گرفته باید خود بیانگر وجود قصد باشد یا این که باید از طریق مستقلی عنصر معنوی را کشف کنیم.

بخش دوم

در تحلیل جرم توهین به دادگاه، سیستم های قضایی به طور متفاوت عمل می کنند، ولی به طور سنتی در حقوق کامن لا، قاضی نیازی نمی بیند عنصر سؤ نیت را احراز کند و در جرم توهین، دادگاه حتی بدون احراز این عنصر، مسئولیت عامل را فرض می گیرد^(۶).

حقوق انگلیس هم بی تأثیر از این رویه نیست؛ اگر چه دادگاه مردها در گذشته بر اساس قوانین قدیم، بر وجود عنصر عمد و سوء نیت (مجموعاً) تأکید می کرد ولی امروزه بر اساس قواعد دیگر جدید چنین شرطی را رعایت نمی کنند؛ مع ذلک اثبات بی تقصیری در رویه ی قضایی بی تأثیر نیست^(۷).

در هر صورت قانون و رویه قضایی، طرفی را که ذی حق است، متعهد به اعلام حکم به خواننده پیش از درخواست اجراییه، دانسته و در نتیجه ذی حق را برای پیگیری مجبور کرده تا یادداشتی را به خواننده ارائه دهد که ضمن درخواست اجرای حکم به وی گوشزد که در صورت عدم اجرا، مسئله ی «جرم توهین به دادگاه» مطرح می شود^(۸). اگر اخطار این تذکر را به همراه نداشته باشد، ذی حق نمی تواند از دادگاه توقع محکوم کردن خواننده را به جرم توهین به دادگاه داشته باشد^(۹). با این وجود، بدیهی است که خواننده ی متمرّد، در استقرار قصد مجرمانه ی خود آزار است.

محدوده ی اجرا و ماهیت جرم و مجازات

ارتکاب جنحه ی صدمه به اقتدار قضایی، امروزه بسیار شایع است و همین امر، مباحث بسیار گسترده ای را در جنحه های مختلف حقوقی به خود اختصاص داده است. در این قسمت بر آن هستیم تا بعد از صحبت در مورد حدود ارتکاب این جرم، به بررسی اقدامات تأمینی و مجازات های مربوط به آن بپردازیم.

الف) بخش اول: گسترش محدوده ی اجرا

صدمه به اقتدار قضایی با ماهیت مدنی، اصولاً کاربردی وسیع و نوعی دارد. همه ی اشخاص طرف تعهد، تحت شمول این بحث قرار می گیرند و در صورتی که موجب صدمه به روند اجرای صحیح رأی قضایی شوند، مجازات می گردند. در تحقق این جرم نسبت به اشخاص خصوصی و (حقیقی یا حقوقی) شکی نیست ولی مسأله ای که جای تأمل دارد، تحقق این جرم نسبت به اشخاص حقوقی عمومی است^(۱۰).

اگر چه در حقوق رومی -ژرمنی، تصور مسئولیت نهاد عمومی و شخصیت حقوقی دشوار نیست ولی در حقوق کامن لا، تصور کلی از نهاد عمومی بسیار پیچیده است.

سابقاً در انگلیس نهادهای عمومی، مصونیت نسبی داشتند؛ حتی ضرب المثلی وجود دارد که به ایده ی عدم مسئولیت شاه تأکید دارد -شاه نمی تواند کار ناشایست انجام دهد -^(۱۱) عملاً جای شک نخواهد بود که نهادهای عمومی در حقوق عمومی کامن لا حداقل تا اواسط قرن ۲۰ مسئولیت کیفری و مدنی نداشتند؛ به عبارت دقیق تر نهاد عمومی در مقابل تک تک افراد جامعه به عنوان شهروند تا این زمان، فاقد مسئولیت بودند^(۱۲).

ضرورت ها و آرمان های دنیای غرب، باعث شد تا قضاات انگلیسی -که برای پذیرش این مسئولیت، مشکلات متعدد عملی و نظری داشتند -هم به وجود چنین مسئولیتی اقرار کنند که به هر حال تمام این تعصبات جهت مسئولیت را متوجه نهادهای عمومی کرده است^(۱۳). البته باز هم این گونه احراز مسئولیت از ضعف های سیستم کامن لا محسوب می شود؛^(۱۴) چرا که باز هم نهادهای عمومی به عنوان شخصیت حقوقی مورد بازخواست قرار نمی گیرد بلکه اشخاص حقیقی در معرض اتهام خواهند بود^(۱۵).

-البته حقوق دانان انگلیسی معتقدند که این احکام بیشتر نتیجه ی سیاسی دارند تا قضایی ...

ب) ماهیت جرم و مجازات صدمه به اقتدار قضایی

ماهیت جرم و مجازات صدمه به اقتدار قضایی، چه با ماهیت مدنی و چه با ماهیت کیفری تفاوت چندانی ندارد؛ نکته ای که رویه ی قضایی انگلیس بر آن پا فشاری و اصرار دارد. به هر حال با وجود تفاوت ماهیت ها، مجازات مشترکی اعمال می شود، اگر چه مجازات این جرم با اغلب مجازات های کیفری، تفاوت عمده ای دارد ولی از مزیت های آن ها نیز استفاده می کند. در نهایت این که با توجه به ساختار سنت گرای سیستم کامن لا، مجازات صدمه به اقتدار قضایی از دیر باز مجازات های شخص محور بوده اند؛ به عبارت دیگر به حبس خوانده ی متمرّد، تنبیه بدنی و محرومیت های آزادی توجه ویژه ای داشته است که البته امروزه گرایش به مجازات های مالی (جریمه و توقیف) به طور فزاینده ای در حال گسترش است.

روش ها

سیستم حقوقی انگلیس برای مقابله با ارتکاب این جرم، به دو دسته روش متوسل می شود که انتخاب این روش ها با خواهان و متناسب با ماهیت تعهدی است که نسبت به آن، خوانده تمرّد کرده است.

اگر تصمیم قضایی ناظر به تعهد به فعل باشد، خواهان از قاضی درخواست «احاله ی پرونده^(۱۶)» را خواهد داشت و اگر رأی ناظر به پرداخت وجه باشد، بدهکار توقیف می شود. به این اقدام، اصطلاحاً «بازداشت موقت^(۱۷)» گفته می شود و اگر محکوم از تعهد کیفری سرباز زند نیز با بازداشت های موقت تأمینی و تنبیهی مواجه می شود.

به طور کلی شعبه ی منطقه ای و شعبه ی عالی قضایی، صالح برای قضاوت پرونده های مربوط به توهین به دادگاه می باشد^(۱۸). شعبه ی منطقه ای از دو قاضی دیوان عالی است. خواهان برای احاله ی پرونده با مجوزی که از قاضی واحد -قاضی ای که حکم داده و طبق ادعای خواهان از رأی وی تمرّد شده است -دریافت می کند، می تواند پرونده را به شعبه ی منطقه ای احاله کند. در این شعبه نیازی به حضور طرفین نیست؛^(۱۹) اصولاً امر ربطی به طرفین ندارد.

در صورتی که خواهان نتواند از قاضی واحد مجوز بگیرد، باید امر را از طریق شعبه ی منطقه ای پیگیری کند و مجوز خاصی را از همین شعبه دریافت کند. در این صورت باید خواننده را از این اقدام و تاریخ جلسه ی احتمالی دادگاه مطلع سازد.^(۲۰)

به هر حال، دادگاه منطقه ای زمانی که دادگاه بدوی در حال رسیدگی به پرونده است صالح برای رسیدگی به این جرم نیست. این پرونده منحصراً متعلق به دادگاه بدوی است تا در مورد صدمه به اقتدارش حکم دهد؛ خصوصاً زمانی که پرونده قطعی نشده است.

بازداشت احتیاطی

این اقدام برای استرداد و باز پس گرفتن مطالبات است. خواهان از قاضی دادگاه صادر کننده ی حکم، دستور بازداشت دریافت می کند. این جلسه ی دادگاه باید توافقی و علنی باشد. خواهان هم باید به وسیله ی اسناد معتبر عدم اجرای حکم قضایی را ثابت کند. او می تواند در برابر خواننده ی متمرّد از شعبه ی مدنی دادگاه، رسیدگی به عدم اجرای حکم قضایی را تحت عنوان صدمه به اقتدار قضایی پیگیری کند. خواهان موظف است منشی دادگاه بدوی را از این مسئله هم زمان با طرح شکایت، مطلع سازد.^(۲۱)

مجازات

مجازات های صدمه به اقتدار قضایی در حقوق کامن لا به علت اقتدار قضایی گسترده ی قضات تنوع قابل توجهی دارد ولی مجازات حبس و توقیف احتیاطی اموال غالب آرا را تشکیل می دهد

حبس

حبس یک روش سنتی مجازات محکومین با مجموعه ای از مزایا و معایب خاص خود است، که صورت بیانگر شدت عمل سیستم قضایی در صدور حکم و آرای است که نیاز به وضعیت های پیچیده و بغرنج را پاسخ می دهد. صدمه به اقتدار قضایی وضعیتی است که بیش از همه سیستم قضایی را از حیث قاطعیت آرای صادره زیر سؤال می برد. به هر حال ذی حق بودن خواهان هم مطرح می باشد؛ اگر چه علت اساسی مجازات شدید، او نیست. قاضی می تواند خواننده ی متمرّد را به علت توهین به دادگاه، برای مدت معین به زندان محکوم کند. که البته طبق قانون ۱۹۸۱، مدت حبس در هر صورت متجاوز از دو سال نخواهد بود.^(۲۲) نهایت این که اگر حکم قاضی را خواننده متمرّد اجرا کند و قاضی نیز صلاح بداند حبس پایان می یابد.^(۲۳)

مدت حبس به وسیله قاضی تعیین می شود و به ماهیت و ارزش تعهد بستگی ندارد؛ به عبارت دیگر قدرت قاضی در اینجا می تواند به شکل افراطی هم بروز کند.

توقیف احتیاطی اموال

در قبال خواننده ی متمرّد، دادگاه می تواند دستور توقیف احتمالی اموال منقول^(۲۴) یا غیر منقول^(۲۵) را صادر کند. توقیف نسبت به همه طلب مورد تعهد اجرا می شود -حتی اگر تأمین چنین هدفی، نسبت به اموالی با ارزش تر از تمامی طلب صورت گیرد.

این توقیف تحت نظر نماینده قاضی تا اجرای تصمیم ادامه می یابد و در هر صورت هزینه ی اجرا هم از اموال خواننده تأمین می شود تا این که حکم اجرا شود، در غیر این صورت بعد از مدت معلوم شده از سوی قاضی، تمام طلب، هزینه ها و جریمه از محل اموال خواننده تحصیل می شود.

نتیجه

در سیستم قضایی انگلیس، قضاوت بیش از حد به اقتدار قضایی احکامشان ارزش می دهند و به علت جایگاه ویژه ی آرای قضایی در حقوق کامن لا، این بینش به شکل یک جرم انگاری، با قدرت واسعه قاضی، به حقوق انگلیس راه پیدا کرده است. البته در سایر سیستم ها چنین جرم انگاری هایی به علت نقش محوری اقتدار قضایی در امور فردی و مربوط به جامعه وجود دارد ولی آزادی عمل قضاوت کاملاً محدود است تا از سوء استفاده های احتمالی جلوگیری شود.

پی نوشت ها:

۱) Fr: attinte a l' autorite de la justice

Eng: civil contemt

۲) Civil contempt

۳) Criminal contempt

۴) Arlidge Anthorg, Eady David, the law of contempt London, sweet & Maxwell, ۱۹۸۲.

p ۴۷۹,۲۶۳

۵) Chambse of lords, ۲۶ juillet ۱۹۷۲

Site: home of fice.uk.

۶) The law Reports.M.Stascomb,vol۱۲.۱۹۸۳,

.P ۱۹۰ -۱۹۷

۷) Lawe Nigel, suffrin Brenda, the law of contempt London, Buttes worths ۱۹۹۶, p ۷۰۷.

۸) Mileage conference group of the try manufacatures ,Weekly law report ۱۹۶۶, vol ۱, p

۱۱۳۷ - ۱۱۷۰.

۹) Article ۱-۲-۳, ordonnance N. ۵/articl ۱-۴, bid

۱۰) Counronne

۱۱) The king can do no wrong

۱۲) Mcnicol Suzanne Boolaw of privilege Ltd ۱۹۹۲, P ۵۰۱, ۳۷۹

۱۳) Loi ۱۹۴۷

۱۴) Chambse of lorde: ۲۷ juillet ۱۹۹۳

۱۵) All England Reports. Vo۳. Green, p ۵۵۷-۵۵۹

۱۶) Way of committal/ la proceduse dite de renvoi

۱۷) Way of sequestration/ la voie sasi conservation

۱۸) The supreme couvt practice, ۱۹۹۷, London sweet and Maxwell. ۱۹۹۸. vo۱. p ۱۸۵۸

۱۹) Article ۲-۴, ordonnance N.۵۲

۲۰) Artice ۱-۱, ordonnance N.۵۲

۲۱) سندیکای SNTRS بزرگ ترین سندیکای کارگری اروپای غربی است که تصویب ماده ی ۲-۲۳-۲۲۲ را به خود

نسبت می دهد.

۲۲) تورم کیفری در ایران یکی از مسائل بسیار مورد بحث است که راه حل آن را قوه قضاییه تصویب «مجازات های جایگزین» و مجازات های اجتماعی، می داند .

طبق گزارش آذرماه ۱۳۸۳ سازمان زندانی ها و اقدامات تأمینی، پیرامون «تغییر آیین نامه ی عفو زندانیان» اعلام شد. ۲۳ میلیارد تومان هر ساله برای اداره ی زندان ها و کانون ها هزینه می شود که این رقم تنها مربوط به مخارج مستقیم است.

۲۳) J.Young, criminologie Radical, enginigal introduction pus d.Milan, pasis, tevue criminolgie, ۱۹۹۵.

۲۴) Pesronal properties

۲۵) Real properties